



صلى الله عليه وسلم



دانشگاه اصفهان  
دانشکده ادبیات و علوم انسانی  
گروه علوم قرآن و حدیث

پایان نامه ی کارشناسی ارشد رشته ی علوم قرآن و حدیث

**مراحل رجوع الی الله در قرآن**

استادان راهنما

دکتر رضا شکرانی

دکتر مهدی مطیع

پژوهشگر

الهام خرمی نسب

مهر ماه ۱۳۹۰

کلیه حقوق مادی مترتب بر نتایج مطالعات،  
ابتکارات و نوآوری های ناشی از تحقیق  
موضوع این پایان نامه متعلق به دانشگاه  
اصفهان است.



دانشگاه اصفهان

دانشکده ادبیات

گروه علوم قرآن و حدیث

پایان نامه ی کارشناسی ارشد رشته ی الهیات گرایش علوم قرآن و حدیث  
خانم الهام خرّمی نسب

**تحت عنوان**

**مراحل رجوع الی الله در قرآن**

در تاریخ ۹۰/۷/۳۰ توسط هیأت داوران زیر بررسی و با درجه عالی به تصویب نهایی رسید.

۱- استاد راهنمای اول پایان نامه دکتر رضا شکرانی با مرتبه ی علمی استادیار امضا

۲- استاد راهنمای دوم پایان نامه دکتر مهدی مطیع با مرتبه ی علمی استادیار امضا

۳- استاد داور داخل گروه دکتر محمدرضا حاجی اسماعیلی با مرتبه ی علمی استادیار امضا

۴- استاد داور خارج از گروه دکتر غلامحسین توکلی با مرتبه ی علمی استادیار امضا

امضای مدیر گروه

بارپاس از سه وجود مقدس:

آنان که ناتوان شدند تا توانا شویم...

مویانیشان سپید شد تا روشنید شویم...

فداکارانه روختند تا روشنگر رهبان باشند...

ارتدادانان

مادرانان

پدرانان

تقدیم بہ ساحت مقدس امام رضا (ع)

امیدکنگہ :

باستاد از صاحب اسم رضا بہ رضایتندی کامل از او درست یامم ،

مورد رضایت خوب قرار کریمم ؛

در زمرہ بندگان او بہ حساب آیمم ،

و بہ بہشت وجود دورت راہ پیداکنیمم . . . .

## چکیده:

ایمان به معاد مهمترین باور ادیان الهی است و ایمان به خداوند نیز با ایمان به معاد مفهوم می یابد و اساساً اعتقاد به خدا بدون اعتقاد به معاد هیچ نقش و ارزشی در زندگی انسان ندارد. قرآن کریم که اساس علوم و معارف اسلامی است بر پایه استقراء نگارندگان در بیش از ۲۰۰۰ آیه به مبحث معاد پرداخته است اما به دلیل پراکندگی آیات در سوره ها مباحث معاد در ظاهر امر مبهم و بعضاً متناقض به نظر می رسد ولی باتامل در این آیات می توان معاد را از نگاه قرآن در قالب ۹ مرحله با عنوان "مراحل رجوع الی الله در قرآن" دسته بندی نمود. این مراحل که پیرامون برخی یک آیه به عنوان مثال آورده ایم عبارتند از:

۱. هبوط: مرحله هبوط به منزله خروج آدم و حوا از جایگاه جنت به دنیا (بقره ۲۷۸) و در مورد سایر فرزندان آن دو به نام هبوط (بقره ۳۶) به عنوان مرحله آغاز سیر بازگشت انسان مورد بحث قرار می گیرد.
  ۲. احتضار، موت (کولایی) إِذَا بَلَغَتِ التَّرَاقِيَ قِيلَ مَنْ وَرَاقٍ أَنْهَ الْأَفْرَاقُ الْمَيِّتَاتِ السَّاقُ بِالسَّاقِ (قیامت ۲۹-۲۶)
  ۳. برزخ: (قَالَ رَبِّ اجْعَلْ لِي آيَةً أَنِّي مِنَ الْمُؤْمِنِينَ) أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ وَوَرِثْتُ مِنْ بَرِّ زَخٍ إِلَيَّ يَوْمَ يُبْعَثُونَ. (مومنون ۹۹-۱۰۰) که با نفخ صور اول به پویان فُضِيَ فَيَبْدُلُ الصُّورَ فَصَعِقَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ ... (زمر ۶۸)
  ۴. (رجعت): امکان آن با وقوع داستان عزیر و اصحاب کهف و وقوع آن برای امت اسلام براساس روایات شیعی برای برخی حتمی است. به دلیل وقوع این مرحله در مورد برخی از انسانها داخل پراتنر قرار میگیرد. وَكَذَٰلِكَ نُفَخُّ الصُّورَ فَصَعِقَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ ... (زمر ۶۸)
  ۵. قیامت: توصیف و ترسیم صحنه قیامت در قرآن بخش زیادی از آیات معاد رابه خود اختصاص داده است. و با نفخ ثانی آغاز می شود: وَيَوْمَ نُفَخُ فِي الصُّورِ فَزِعَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ وَكُلٌّ أَتَوْهُ دَاخِرِينَ (نمل ۸۷) وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّقُوا اللَّهَ أَنَّىٰ أَخَذْتَهُ الْعِزَّةَ بِالْإِثْمِ فَحَسْبُهُ جَهَنَّمُ وَلَبِئْسَ الْأَمَهُادُ (بقره ۲۰۶) که عبور از صراط در این مرحله انجام نموجی دالتهین اتقوا و نذر الظالمین فیها جثیاً (مریم ۷۲)
  ۸. وَرُوحَنَّهُ يَهْتَضُّهَا السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ (آل عمران ۱۳۳)
  ۹. مقام قرب: بر طبق مآلین کان من المهر وین و ریحان و جنت نعیم (واقعه ۸۸-۸۹) هریک از مقربان خود یک جنت و بهشت هستند.
- تبیین هریک از مراحل با استناد به آیات در رساله خواهد آمد.

کلمات کلیدی: قرآن - معاد - مراحل معاد



## فهرست مطالب

| صفحه      | عنوان  |
|-----------|--|
|           | <b>فصل اول: کلیات</b>  |
| ۱-۱-۱     | مقدمه..... ۱   |
| ۲-۱       | تبیین مسأله پژوهشی و اهمیت آن..... ۸                                 |
| ۳-۱       | اهداف..... ۱۱  |
| ۴-۱       | فرضیات و پرسشها..... ۱۱  |
| ۵-۱       | تعریف مفاهیم و اصطلاحات..... ۱۲                                      |
| ۶-۱       | روش تحقیق..... ۱۲  |
| ۷-۱       | پیشینه تحقیقات..... ۱۲   |
|           | <b>فصل دوم: خلقت ، هبوط ، احتضار و مرگ</b>                           |
| ۱-۲       | مقدمه..... ۱۴  |
| ۲-۲       | ترسیم آغاز آفرینش در قرآن با هدف توجه دادن به پایان این آغاز..... ۱۵ |
| ۳-۲       | هبوط..... ۱۶   |
| ۱-۳-۲     | واژه شناسی هبوط..... ۱۶  |
| ۲-۳-۲     | هبوط ابلیس..... ۱۷   |
| ۳-۳-۲     | مرحله هبوط در مورد حضرت آدم و حوا..... ۲۳                            |
| ۱-۳-۳-۲   | بهشت آدم و حوا..... ۲۴   |
| ۲-۳-۳-۲   | درخت ممنوعه..... ۲۶  |
| ۳-۳-۳-۲   | حوا..... ۲۸  |
| ۴-۳-۳-۲   | اغوای آدم و حوا..... ۲۹  |
| ۵-۳-۳-۲   | توبه حضرت آدم..... ۳۱  |
| ۴-۳-۲     | هبوط انسان..... ۳۳   |
| ۴-۲       | احتضار و مرگ..... ۳۵   |
| ۱-۴-۲     | احتضار..... ۳۵   |
| ۱-۱-۴-۲   | انواع احتضار..... ۳۶   |
| ۲-۱-۴-۲   | مراحل احتضار..... ۳۷   |
| ۱-۲-۱-۴-۲ | نا امیدي محتضر از شفا..... ۳۸  |
| ۲-۲-۱-۴-۲ | یقین محتضر به جدایی..... ۳۸  |
| ۳-۲-۱-۴-۲ | جمع شدن ساقها..... ۳۸  |
| ۴-۲-۱-۴-۲ | رسیدن جان به گلو..... ۳۹   |

|    |  |
|----|--|
| ۴۰ | ..... ۲-۴-۱-۵- توفی روح  |
| ۴۴ | ..... ۲-۴-۱-۳- شاید احتضار   |
| ۴۴ | ..... ۲-۴-۱-۴- احتضار پایان مهلت پذیرش توبه                                      |
| ۴۶ | ..... ۲-۴-۱-۵- درخواست تأخیر مرگ و بازگشت به دنیا                                |
| ۴۷ | ..... ۲-۴-۱-۶- اعتراف ستم‌گران بر ضد خویشان                                      |
| ۴۷ | ..... ۲-۴-۱-۷- اتصال احتضار به عذاب یا آسایش پس از مرگ                           |
| ۴۷ | ..... ۲-۴-۱-۸- سفارش‌های مربوط به دنیا قبل از مرگ، هنگام احتضار و پس از آن       |
| ۴۸ | ..... ۲-۴-۲- موت (توفی)  |
| ۵۲ | ..... ۲-۴-۲- ۱- شباهت مرگ و خواب   |
| ۵۴ | ..... ۲-۴-۲- ۲- مرگ، انتقال به حیات دیگر   |
| ۵۵ | ..... ۲-۴-۲- ۳- مرگ عاقبت‌گریز ناپذیر (حتمیت مرگ)                                |
| ۵۵ | ..... ۲-۴-۲- ۴- مرگ به اراده خداوند است  |
| ۵۶ | ..... ۲-۴-۲- ۵- مرگ دارای زمان معین و ناگهانی است                                |
| ۵۶ | ..... ۲-۴-۲- ۶- انواع مرگ در قرآن  |
| ۵۶ | ..... ۲-۴-۲- ۱-۶- مرگ در حال اسلام   |
| ۵۶ | ..... ۲-۴-۲- ۱-۱-۶- کشته شدن در راه خدا  |
| ۵۷ | ..... ۲-۴-۲- ۲-۶- مرگ در حال کفر   |
| ۵۸ | ..... ۲-۴-۲- ۳-۶- مرگ در حال فسق   |
| ۵۸ | ..... ۲-۴-۲- ۷- دعا برای مسلمان از دنیا رفتن                                     |
| ۵۹ | ..... ۲-۴-۵- جمع بندی و خلاصه ارتباط خلقت، هبوط و مرگ با سیر حرکتی رجوع الی الله |

### فصل سوم: برزخ، (رجعت) و نفخ صور اول

|    |  |
|----|--|
| ۶۲ | ..... ۳-۱- مقدمه                             |
| ۶۲ | ..... ۳-۲- برزخ                              |
| ۶۲ | ..... ۳-۲- ۱- بررسی لغوی و اصطلاحی واژه برزخ |
| ۶۳ | ..... ۳-۲- ۲- برزخ از دیدگاه قرآن            |
| ۶۵ | ..... ۳-۲- ۳- قیامت صغری                     |
| ۶۶ | ..... ۳-۲- ۴- جایگاه عالم برزخ               |
| ۶۷ | ..... ۳-۲- ۵- خصوصیات عالم برزخ              |
| ۷۱ | ..... ۳-۲- ۶- پرسش‌های برزخ                  |
| ۷۲ | ..... ۳-۲- ۷- خصوصیات دوزخ برزخی             |
| ۷۴ | ..... ۳-۲-۷-۱- عوامل عذاب برزخ               |

| صفحه  | عنوان  |
|---|--|
| ۷۴  | ۸-۲-۳- خصوصیات بهشت برزخی  |
| ۷۵  | ۹-۲-۳- عوامل رفاه و سعادت در برزخ  |
| ۷۶  | ۳-۳- رجعت ...  |
| ۷۶  | ۱-۳-۳- اهمیت رجعت ...  |
| ۷۶  | ۲-۳-۳- واژه شناسی رجعت   |
| ۷۹  | ۳-۳-۳- امکان رجعت  |
| ۷۹  | ۱-۳-۳- امکان ذاتی رجعت   |
| ۸۰  | ۲-۳-۳- امکان وقوعی رجعت  |
| ۸۰  | ۱-۲-۳-۳- زنده شدن هفتاد نفر از یاران حضرت موسی علیه السلام                       |
| ۸۱  | ۲-۲-۳-۳- زنده شدن کشته بنی اسرائیل   |
| ۸۲  | ۳-۲-۳-۳- زنده شدن هزاران نفر   |
| ۸۳  | ۴-۲-۳-۳- زنده شدن عزیز، پس از صد سال   |
| ۸۴  | ۵-۲-۳-۳- ابراهیم (ع) و طیور  |
| ۸۴  | ۶-۲-۳-۳- زنده شدن مردگان به دست حضرت عیسی علیه السلام                            |
| ۸۶  | ۷-۲-۳-۳- داستان اصحاب کهف  |
| ۸۶  | ۴-۳-۳- رجعت در آخرالزمان   |
| ۸۷  | ۱-۴-۳-۳- خروج دابه الارض   |
| ۸۹  | ۲-۴-۳-۳- حشر برخی مردگان از هر امتی  |
| ۹۰  | ۳-۴-۳-۳- پیمان انبیا مبنی بر یاری پیامبر (ص)                                     |
| ۹۰  | ۴-۴-۳-۳- تجربه وقایع امتهای پیشین  |
| ۹۱  | ۵-۴-۳-۳- دو بار زنده شدن و دو بار مردن   |
| ۹۲  | ۶-۴-۳-۳- سوگند دشمنان اهل بیت بر زنده نشدن مردگان                                |
| ۹۲  | ۷-۴-۳-۳- رجعت کافرین محض و مومنین محض  |
| ۹۳  | ۸-۴-۳-۳- وعده خلافت نیکان در زمین  |
| ۹۵  | ۴-۳- نفخ صور اول، پایان مرحله برزخ   |
| ۱۰۰   | ۵-۳- جمع بندی و خلاصه ارتباط برزخ، رجعت و نفخ صور اول با سیر حرکتی رجوع الی الله |
| <b>فصل چهارم: قیامت، جهنم، بهشت و لقاء الله</b> |  |
| ۱۰۲   | ۱-۴- مقدمه   |
| ۱۰۳   | ۲-۴- قیامت   |
| ۱۰۳   | ۱-۲-۴- مفهوم یوم   |
| ۱۰۳   | ۱-۱-۲-۴- یوم در لغت  |

| صفحه | عنوان  |
|------|--|
| ۱۰۳  | ۲-۱-۲-۴- معنای نسبی یوم.....                           |
| ۱۰۵  | ۲-۲-۴- قیامت صغری و قیامت کبری.....                    |
| ۱۰۶  | ۳-۲-۴- ایام قیامت و نظام حاکم بر آن.....               |
| ۱۰۸  | ۱-۳-۲-۴- یوم ینفخ فی الصور.....                        |
| ۱۰۸  | ۲-۳-۲-۴- یوم البعث.....                                |
| ۱۰۸  | ۳-۳-۲-۴- یوم الخروج.....                               |
| ۱۰۹  | ۴-۳-۲-۴- یوم الحشر.....                                |
| ۱۱۰  | ۵-۳-۲-۴- یوم المجموع (یوم المشهود).....                |
| ۱۱۰  | ۶-۳-۲-۴- یوم الحسره.....                               |
| ۱۱۱  | ۷-۳-۲-۴- یوم التلاق.....                               |
| ۱۱۱  | ۸-۳-۲-۴- یوم الدين.....                                |
| ۱۱۲  | ۹-۳-۲-۴- یوم الحساب (یوم يقوم الاشهاد، یوم الفتح)..... |
| ۱۱۳  | ۱۰-۳-۲-۴- یوم الفصل.....                               |
| ۱۱۳  | ۱۱-۳-۲-۴- یوم الجمع (یوم التناد).....                  |
| ۱۱۴  | ۱۲-۳-۲-۴- یوم الخلود.....                              |
| ۱۱۴  | ۱۳-۳-۲-۴- یوم التغابن.....                             |
| ۱۱۵  | ۳-۴- جهنم.....   |
| ۱۱۵  | ۱-۳-۴- ماهیت جهنم.....                                 |
| ۱۱۶  | ۲-۳-۴- جایگاه جهنمیان در حرکت و رجوع الی الله.....     |
| ۱۱۹  | ۳-۳-۴- طبقات (درکات انسانی) و درهای جهنم.....          |
| ۱۲۰  | ۱-۳-۳-۴- جحیم.....                                     |
| ۱۲۰  | ۲-۳-۳-۴- لظى.....                                      |
| ۱۲۰  | ۳-۳-۳-۴- سقر.....                                      |
| ۱۲۰  | ۴-۳-۳-۴- حطمه.....                                     |
| ۱۲۰  | ۵-۳-۳-۴- هاویه.....                                    |
| ۱۲۱  | ۶-۳-۳-۴- سعیر.....                                     |
| ۱۲۱  | ۷-۳-۳-۴- جهنم.....                                     |
| ۱۲۱  | ۴-۳-۴- حالات جهنمیان.....                              |
| ۱۲۱  | ۱-۴-۳-۴- عذابهای روحی.....                             |
| ۱۲۱  | ۱-۱-۴-۳-۴- دوری از رحمت خداوند.....                    |

| صفحه | عنوان  |
|------|--|
| ۱۲۱  | ..... حسرت - ۲-۱-۴-۳-۴                             |
| ۱۲۲  | ..... مشاجره و تخاصم - ۳-۱-۴-۳-۴                   |
| ۱۲۲  | ..... تحقیر - ۴-۱-۴-۳-۴                            |
| ۱۲۲  | ..... طعن و توبیخ - ۵-۱-۴-۳-۴                      |
| ۱۲۳  | ..... توهین - ۶-۱-۴-۳-۴                            |
| ۱۲۳  | ..... ملامت و سرزنش - ۷-۱-۴-۳-۴                    |
| ۱۲۳  | ..... تنهایی و شکسته شدن روابط اعتباری - ۸-۱-۴-۳-۴ |
| ۱۲۴  | ..... عذابهای جسمی - ۲-۴-۳-۴                       |
| ۱۲۴  | ..... جایگاه تنگ - ۱-۲-۴-۳-۴                       |
| ۱۲۴  | ..... پوششهای آتشین - ۲-۲-۴-۳-۴                    |
| ۱۲۴  | ..... خوراکیهای جهنمیان - ۳-۲-۴-۳-۴                |
| ۱۲۵  | ..... نوشیدنی های جوشان - ۴-۲-۴-۳-۴                |
| ۱۲۵  | ..... درون سوزی و برون سوزی - ۵-۲-۴-۳-۴            |
| ۱۲۶  | ..... سیمای جهنمیان - ۵-۳-۴                        |
| ۱۲۷  | ..... خلود و تهدید شدگان به خلود در جهنم - ۶-۳-۴   |
| ۱۳۰  | ..... کافران - ۱-۶-۳-۴                             |
| ۱۳۱  | ..... مشرکان - ۲-۶-۳-۴                             |
| ۱۳۱  | ..... منافقان - ۳-۶-۳-۴                            |
| ۱۳۱  | ..... مرتدان - ۴-۶-۳-۴                             |
| ۱۳۲  | ..... تکذیب کنندگان آیات الهی - ۵-۶-۳-۴            |
| ۱۳۲  | ..... دشمنان خدا و پیامبر (ص) - ۶-۶-۳-۴            |
| ۱۳۲  | ..... ظالمان و ستمگران - ۷-۶-۳-۴                   |
| ۱۳۳  | ..... اشقیاء - ۸-۶-۳-۴                             |
| ۱۳۳  | ..... افرادی که غرق در گناهند - ۹-۶-۳-۴            |
| ۱۳۳  | ..... قاتل مومن - ۱۰-۶-۳-۴                         |
| ۱۳۳  | ..... سبک اعمالان - ۱۱-۶-۳-۴                       |
| ۱۳۳  | ..... گنهکاران به طور عام - ۱۲-۶-۳-۴               |
| ۱۳۴  | ..... رباخواران - ۱۳-۶-۳-۴                         |
| ۱۳۴  | ..... گمراهان - ۱۴-۶-۳-۴                           |
| ۱۳۴  | ..... منع کننده خیر و متجاوز شک کننده - ۱۵-۶-۳-۴   |

| عنوان  | صفحه |
|--|------|
| ..... شیطان و پیروان شیطان ۱۶-۶-۳-۴                                  | ۱۳۵  |
| ..... اسباب ورود به جهنم ۷-۳-۴                                       | ۱۳۵  |
| ..... خوردن مال یتیمان ۱-۷-۳-۴                                       | ۱۳۵  |
| ..... تکبر، ناز پروری و خود برتر بینی ۲-۷-۳-۴                        | ۱۳۵  |
| ..... دل بستن به دنیا و زر اندوزی ۳-۷-۳-۴                            | ۱۳۵  |
| ..... رویگردانی از جهاد ۴-۷-۳-۴                                      | ۱۳۶  |
| ..... استهزاء ارزشها ۵-۷-۳-۴   | ۱۳۶  |
| ..... طاغیان و گردنکشان ۶-۷-۳-۴                                      | ۱۳۶  |
| ..... آزار دادن ۷-۷-۳-۴  | ۱۳۶  |
| ..... غفلت چشمان از یاد خدا و پیوسته ناتوانی از شنیدن حرف حق ۸-۷-۳-۴ | ۱۳۶  |
| ..... بخل ۹-۷-۳-۴  | ۱۳۷  |
| ..... کم فروشی ۱۰-۷-۳-۴  | ۱۳۷  |
| ..... کفران نعمت ۱۱-۷-۳-۴  | ۱۳۷  |
| ..... کتمان آیات قرآن برای بهره وری دنیوی ۱۲-۷-۳-۴                   | ۱۳۷  |
| ..... تمایل داشتن به ستمگران ۱۳-۷-۳-۴                                | ۱۳۸  |
| ..... ترک نماز ۱۴-۷-۳-۴  | ۱۳۸  |
| ..... سیر نکردن گرسنگان درمانده ۱۵-۷-۳-۴                             | ۱۳۸  |
| ..... هرزه گرایي با هرزه گرایان ۱۶-۷-۳-۴                             | ۱۳۸  |
| ..... انکار قیامت ۱۷-۷-۳-۴   | ۱۳۸  |
| ..... عیب جویی ۱۸-۷-۳-۴  | ۱۳۸  |
| ..... اسراف و تبذیر ۱۹-۷-۳-۴   | ۱۳۹  |
| ..... عدم تفکر ۲۰-۷-۳-۴  | ۱۳۹  |
| ..... بهشت ۴-۴   | ۱۳۹  |
| ..... ماهیت بهشت ۱-۴-۴   | ۱۳۹  |
| ..... مراتب انسانی در بهشت ۲-۴-۴                                     | ۱۴۲  |
| ..... انواع بهشت ۳-۴-۴   | ۱۴۴  |
| ..... جنتی ۱-۳-۴-۴   | ۱۴۵  |
| ..... جنت عالیہ ۲-۳-۴-۴  | ۱۴۵  |
| ..... جنت نعیم ۳-۳-۴-۴   | ۱۴۶  |
| ..... جنت خلد ۴-۳-۴-۴  | ۱۴۷  |

| صفحه | عنوان  |
|------|--|
| ۱۴۷  | ۵-۳-۴-۴ جنتان.....   |
| ۱۴۷  | ۶-۳-۴-۴ جنت مأوی.....  |
| ۱۴۸  | ۷-۳-۴-۴ جنت فردوس.....   |
| ۱۴۸  | ۸-۳-۴-۴ جنات عدن.....  |
| ۱۴۹  | ۹-۳-۴-۴ روضه - روضات.....  |
| ۱۵۰  | ۱۰-۳-۴-۴ جنات و عیون.....  |
| ۱۵۰  | ۱۱-۳-۴-۴ جنات و نهر.....   |
| ۱۵۳  | ۱۲-۳-۴-۴ حدائق.....  |
| ۱۵۳  | ۱۳-۳-۴-۴ دار السلام.....   |
| ۱۵۴  | ۴-۴-۴ حالات بهشتیان.....   |
| ۱۵۴  | ۱-۴-۴-۴ شادابی و شادمانی.....  |
| ۱۵۴  | ۲-۴-۴-۴ امنیت و آرامش.....   |
| ۱۵۶  | ۳-۴-۴-۴ عاری از حزن و خوف و رنج.....   |
| ۱۵۶  | ۴-۴-۴-۴ دوستی و احترام.....  |
| ۱۵۷  | ۵-۴-۴-۴ عاری از هرگونه دروغ، لغو و گناه.....   |
| ۱۵۸  | ۵-۴-۴ چشمه ها و نهر های بهشتی.....   |
| ۱۶۱  | ۶-۴-۴ نوشیدنی های بهشتی.....   |
| ۱۶۳  | ۷-۴-۴ خوراکیهای بهشت.....  |
| ۱۶۴  | ۸-۴-۴ پوششهای بهشتیان.....   |
| ۱۶۶  | ۹-۴-۴ محل اسکان بهشتیان.....   |
| ۱۶۸  | ۱۰-۴-۴ همسران بهشتی.....   |
| ۱۷۰  | ۱۱-۴-۴ فرزندان بهشتی.....  |
| ۱۷۰  | ۱۲-۴-۴ خلود در بهشت.....   |
| ۱۷۰  | ۵-۴-۴ لقاء الله.....   |
| ۱۷۲  | ۶-۴-۴ جمع بندی و خلاصه ارتباط قیامت، جهنم، بهشت و لقاءالله با سیر حرکتی رجوع الی الله..... |

#### فصل پنجم : خاتمه

|     |                    |
|-----|--------------------|
| ۱۷۴ | ۱-۵ نتایج.....     |
| ۱۸۰ | ۲-۵ پیشنهادها..... |
| ۱۸۱ | منابع و مأخذ.....  |

## فصل اول

### کلیات

#### ۱-۱- مقدمه

خداوند از خلق عالم هستی، هدفی داشته و دارد و خواهد داشت و همانطور که هدف صانع از صنع خود، ظهور کمالات او در صنعش می باشد و از آنجا که به علت نقص مصنوع این کمالات نمی تواند یکباره و به طور جهشی ظهور یابد، در طی طریقی از نقص به کمال - که همان هدف اصلی از خلقت است - تحقق می یابد ولی در هر حال حصول کمال و وصول به آن به دلیل حکیم و قدیر بودن صانع حتمی است و گرنه در قصد خود شکست خورده که خداوند متعال از چنین گمانی منزّه و برتر است.

همه مخلوقات بدون استثناء در طول یکدیگر آفریده شده اند و یک خط را تشکیل می دهند. اول این خط، خاک یا قوه صرف و آخر آن انسان کامل است. انسان آخرین پدیده و تنها مخلوقی است که می تواند ظهوراتم ذات مقدس الهی باشد. ولی به علت نقص وجودی نمی تواند آن کمال بی حد و حصر را که در خود نهفته دارد، دفعتاً کسب کند، پس باید راهی را طی کرده، از مراحل گوناگون جماد، نبات و حیوان گذشته و به مرحله انسانیت برسد و برای حصول هر کدام از کمالات خالق، مخلوق باید وسیله تحقق و توانایی آن را در طول راه و مرحله به مرحله بدست آورد. انسانها در هر کدام از مراحل مسیر خود، از وحدت قوه تا کثرت فعلیات (قوس نزول)، مقداری از این توانایی ها را بدست می آورند و فقط در مرحله انسانیت است که تمام توانایی های لازم برای ظهور آن کمالات از نظر ماده و معنا، بدست می آورند.



آغاز حرکت هر موجودی در کره خاکی از خاک است - که مظهر و نماد همه استعدادهای بالقوه است - پس از آن از مرحله نباتی به حیوان و از آن به بعد به انسانیت می رسد. در این مرحله او یک مجموعه کامل از کمالات است که به صورت بالقوه در وجود او قرار دارد. و در میان این مجموعه "اختیار" انسانی در گزینش راه است که از همه والاتر و تکمیل کننده قوای اوست.

قرآن به طور صریح هر کس (ناس) را که در امر بعث در قیامت تردید دارد اول به خود او، و سپس به رویدن نباتات متوجه می سازد، وقتی دانه ای سالم باشد و در شرایط مناسب رطوبت، حرارت و نور قرار گیرد، شروع به رشد می نماید یا به عبارت دیگر برای قیام به آنچه در وجود خود دارد برانگیخته می شود. این حالت که لازمه رشد است، همان یوم الجمعی دانه است، که به تدریج حاصل می شود. یعنی دانه، مواد لازم را برای تشکیل و تکمیل در طی دورانی که بر بوته یا درخت اصلی خود بوده، جمع نموده و از آن پس در خاک قرار گرفته است. این نوع جمع شدن به سوی قیامت، در آیاتی که جمع در قیامت در آن مطرح است بیان گردیده که در بحث قیامت به آن پرداخته می شود. دانه ای که امروز سر از خاک برمی دارد، بارها عوالم حشر و نشر فراوانی را پشت سر گذاشته، همچنان که باز هم بی حساب، از این پس ادامه خواهد داشت.

البته هرگز منظور از این بحث، این نیست که قیامتی که ما معتقدیم فقط در این عالم است و دیگر قیامتی در عالم پس از مرگ وجود نخواهد داشت. بلکه منظور این است که حشر، نشر، بعث و قیامت امور عجیب و غیر قابل باور نیست و امکان وقوعشان نه فقط در عالم پس از مرگ بلکه به عنوان یک واقعیت در این عالم درباره انسان و دیگر موجودات نیز میسر است. و انسانها هر کدام در مورد خود و مسیر خود از این واقعیت ها عبور خواهند نمود:

«إِنَّ كُلَّ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ إِلَّا آتَى الرَّحْمَانَ عَبْدًا لَقَدْ أَحْصَيْنَاهُمْ وَلَقَدْ عَلِمْتَهُمْ»  
 قَدْآ (مریم ۹۳-۹۵)

هر که در آسمانها و زمین است جز بنده وار به سوی [خدای] رحمان نمی آید. و یقیناً آنها را به حساب آورده و به دقت شماره کرده است. و روز قیامت همه آنها تنها، به سوی او خواهند آمد.

برای عبور از این جاده پریچ و خم، راه را هم نشانش داده و کلید اختیار گزینش آنها را هم به او سپرده است:

«وَهَدَيْنَاهُ النَّجْدَيْنِ»<sup>۱</sup> خیر و شر را بدو نمودیم. (بلد ۱۰)

«وَأَنْفُسٍ وَ مَا سَوَّاهَا فَأَلْهَمَهَا فُجُورًا وَنَهَلَهَا بِرًا وَ هَدَيْنَاهَا لِمَا نَهَىٰ عَنْهَا»<sup>۲</sup> و آن الهام کرد، که هر کس آن را پاک گردانید، قطعاً رستگار شد، (شمس ۷ و ۸)

وقتی انسان پایه عرصه وجود می گذارد یا به عبارتی نطفه اش منعقد می شود، خداوند حکیم هزاران استعداد در او نهفته و او را راهی این دیار نموده و همه شرایط زندگی و ابزار به فعلیت رساندن این قوا و استعدادها را در اختیار او قرار داده و انسان را موظف به ظهور و به فعلیت رساندن این استعداد های بی حد و حصر نموده است. برای تحقق این هدف، دستورات لازم و کافی را توسط پیامبران ابلاغ فرموده و انسان را به آنچه به وصول این هدف کمک کند امر، و از همه آنچه از این هدفش دور کند نهی کرده است.

علاوه بر استعدادها مجموعه ای از اقتضائات خیر یا شر، در اغلب موارد، جز در مواردی مخلوطی از هر دو را با خود همراه دارند.<sup>۱</sup>

در دنیا انسانها وظیفه دارند استعدادهای وجودی خود را به فعلیت برسانند و در هر مرحله به هر آنچه در وجودشان تحقق یافته، برای تحقق مقاصد خداوند، قیام کنند. هر آنچه در این عالم از این فعلیت ها تحقق یا بد برای ظهور و بروز آن عالم اجازه فعلیت می یابد و هر مقدار که نتوانسته باشد باید پس از مرگ آن را تکمیل و به آنها قیام نمایند. اما انسانهایی که توانسته اند در این دنیا همه قوای وجودی خود را به فعلیت برسانند، به همه این استعدادها قیام نموده از همه برزخ ها و قیامتها رسته و به مقصود عالی و مقصد نهایی خالق خود رسیده اند.

در اذهان عمومی و حتی خواص، در تمام ادیان الهی، قیامت به صورت یک واقعه متصور شده که در زمان و مکان معین به وقوع خواهد پیوست. ولی در واقع قیامت علی رغم آنچه تصور می کنیم، یک واقعه نیست بلکه یک واقعیت در عالم است که هر جا مصداق یابد اتفاق می افتد و به یک واقعه تبدیل می شود.

این مطلب از آیات قرآن به روشنی قابل استنباط است، چنانکه در آیه ۱۶ سوره مومنون می فرماید: «ثُمَّ إِنَّكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ تُبْعَثُونَ» (آن گاه شما در روز رستاخیز برانگیخته خواهید شد) به عبارت دیگر قیامت ظرف بعث است و انسانها هر زمان که لازم شود مبعوث شوند باید قیامتی داشته باشند.

---

<sup>۱</sup> فقط افراد خاصی با اقتضائات خیره صورت مطلق به دنیا می آیند. چنانچه در زیارت مخصوص امام حسین(ع) می خوانیم: گواهی می دهم که نوری بودی در صلب های والامقام و رحمهای پاک که هیچ ناپاکی جاهلیت تو را لمس ننموده و لباسهای آلوده نپوشانده است. در قرآن نیز در داستان حضرت عیسی(ع) آمده است: «وَالسَّلَامُ عَلَيَّ يَوْمَ وُلِدْتُ وَ يَوْمَ أُمُوتُ» «و یوم برآئمت روزی که زاده شدم و روزی که می میرم و روزی که زنده برانگیخته می شوم (مریم ۳۳)

امروزه علم ژنتیک نه تنها این مساله را یافته بلکه بر این اساس استوار است که انسانی که متولد می شود خصوصیات ظاهری و یا اخلاقی بسیاری را از پدر و مادر خود از طریق ژنها به ارث می برد. و آنچه باید بر این علم افزود اینست که علاوه بر اخلاقیات جنبه های خیری و یا شر آنها هم در شکل گیری ظواهر و اخلاقیات او بسیار موثر است و به همین دلیل است که در قرآن و روایات دستورات و سفارشات بسیاری درباره ازدواج از جنبه های مختلف مانند انتخاب همسر و حتی محل، موقع، نحوه و نیت مقاربت ذکر شده است تا فرزندی که متولد می شود تا جایی که ممکن است از نظر جسمی و روحی سالم باشد. در این دنیا انسانها با بکارگیری استعدادها و در نظر گرفتن یا عدم ملاحظه این دستورات زندگی خود را می گذرانند و عالم بعدی خود را می سازند، همچنانکه در عالم رحم وسایل زیست در این دنیا را می ساختند و خود کاملاً از آن بی خبر بودند.

چون مقصود اصلی از همه مراحل زندگی، بلکه کل برنامه هستی، احراز کمال است، و بدست آوردن کمال به تدریج و طی مراحل بسیار طولانی میسر است، و در هر مرحله، وقتی به پایان برسد انسان باید به هر آنچه در آن دوره حاصل شده است مبعوث و احراز کمال نماید، پس حقیقت بعث را در تمام مراحل بوجود آمدن انسان از خاک تا دوره جنینی، تولد، جوانی، پیری و مرگ او بیان می کند، و در ادامه آیه، این حقیقت غیر قابل انکار را در روئیدن تمام دانه ها و نباتات نیز مشترک می داند:

«... وَ تَرَى الْأَرْضَ هَلْدَةً فَإِذَا أَنْزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَ رَبَّتْ وَ أَنْبَتَتْ مِنْ كُلِّ زَوْجٍ بَهيجٍ ذَالِكَ بَانَ أَنَّهُ يُحْيِي الْمَوْتَى وَ أَنَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَ كَلَّا رَبَّيْبٌ فِيهَا وَ أَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ

و زمین را خشکیده می بینی و [لی] چون آب بر آن فرود آوریم به جنبش درمی آید و نمو می کند و از هر نوع [رستنیهای] نیکو می رویاند. این [قدرت نماینها] بدان سبب است که خدا خود حق است، و اوست که مردگان را زنده می کند و [هم] اوست که بر هر چیزی تواناست. و [هم] آنکه رستاخیز آمدنی است [و] شکی در آن نیست، و در حقیقت، خداست که کسانی را که در گورهایند برمی انگیزد. (حج ۵-۷)

این آیات به وضوح نشانگر این مطلب است که موضوع بعث که لازمه قیام و حصول کمال است، نه مخصوص انسان است و نه مخصوص مکان و زمان خاص و هر نفسی باید قیامتهای خود را بگذراند، هنگامی که مقتضیات رشد در هر مرحله فراهم شود، به همان استعداد مبعوث شده و قیام می نماید.

در سراسر زندگی دنیوی انسانها در موقعیتهای مختلف در شرایطی قرار می گیرند که برایشان سنگین و دردآور جلوه می کند و دنیا برایشان تیره و تار می شود و گاهی فکر می کنند دنیا برایشان به پایان رسیده است و در مقابل برای عده ای شرایط آسان و سرور در دلها می نشیند و با توانایی های روحی که کسب کرده اند به راحتی مسائل را از سر می گذرانند؛ لذا در توصیف قیامت در قرآن آمده است: خورشید فرومرده و تاریکی همه جا را فرا گرفته یا اینکه می فرماید، خورشید و ماه جمع می شوند و هیچ نوری نمی تابد و همه جا تاریک می شود. زمین بخود می لرزد. انسان ها با ریشانی تمام، بلا تکلیفی را در همه محیط احساس می کنند و تمام این تعبیرات قرآنی را به یک واقعه به نام قیامت ارجاع می دهیم در حالی که تمام این شرایط را گروهی از افراد در برهه های مختلف زندگی تجربه می کنند. همچنین با دقت در آیات قیامت در می یابیم، در هیچ آیه ای کلمه جمع با ظرف زمانی "فی" استعمال نشده است. بلکه همیشه با "ل" تعلیل (برای) و یا "الی" (به سوی) بکار رفته است. یعنی در واقع جمع یا "برای قیامت" انجام می شود و یا "بسوی قیامت" و هر دو این حالتها در تمام عمر دنیایی هر انسان صورت می گیرد، تا در نفس هر انسانی مرحله جمع، یا به قول قرآن "یوم الجمع" حاصل شود.

در این شرایط نفوسی به مقتضای عملی که در دنیا انجام داده اند در حالت قیامت یا قیامتهای متعدد خود، تاریکی، زمین داغ، معطلی های طولانی، تشنگی و گرسنگی را خواهند داشت و در مقابل نفوسی توانسته اند در خود، نور، صفا، عشق به خدا، محبت به هموع، جود و سخا را تحقق بخشیده؛ نور، شادی، وجه رب و رضوان او را که بالاترین سعادت و مقام است، مشاهده نمایند.

هنگامی که فرصت دنیایی برای رشد به اتمام می رسد و انسانها مرگ را تجربه کرده، امتیاز اختیار و عمل را از دست می دهند؛ توسط قرآن به سه گروه تقسیم می شوند:

۱. افرادی که توانسته اند استعدادهای وجودی خود را به طور کامل فعلیت ببخشند، به صورتی که برای ظهور و بروز در عالم بعدی با تمام قوای وجودی خود اجازه فعلیت می یابند:

« وَ السَّابِقُونَ السَّابِقُونَ أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ فِي جَنَّاتِ الدَّجِيمِ »

و سبقت گیرندگان مقدمند آنانند همان مقربان [خدا]، در باغستانهای پر نعمت (واقع ۱۰-۱۲)

این گروه در قرآن سابقون نامیده شده اند. در هنگام مرگ و در حقیقت انتقال به عالم دیگر با قانونمندیهای جدید، هیچ نقصی ندارند و همه وسایل و لوازم یک زیست ملکوتی را برای زندگانی بعدی همراه خود دارند و به محض خروج از این عالم، تمام قیامتهای آنها قائم و ظاهر می شود.

۲. افرادی که در طول عمر دنیوی از مقام انسانیت خود غافل بوده و سرمایه عمر و امکانات دستیابی به کمال را از دست داده و فرصتهایی را که هر یک می توانست استعدادی را به فعلیت رسانده و امکان و وسیله ای از وسایل زیست در عالم بعدی را فراهم سازد، نابود ساخته اند. و در مسیر حرکت و رجوع الی الله، راه را برعکس رفته و هر لحظه از خدا دورتر و دورتر شده اند:

« وَ أَصْحَابُ الشَّمَالِ مَا أَصْحَابُ الشَّمَالِ فِي سَمُومٍ وَ حَمِيمٍ وَ ظِلٍّ مِّنْ يَحْمُومٍ لَّا بَارِدٍ وَ لَّا كَرِيمٍ إِنَّهُمْ مُّتْرَفِينَ وَ كَانُوا يُصِرُّونَ عَلَى الْإِخْلَاقِ الْعَرِيسِ »

و یاران چپ کدامند یاران چپ؟ در [میان] باد گرم و آب داغ. و سایه ای از دود تار. نه خنک و نه خوش. اینان بودند که پیش از این ناز پروردگان بودند. و بر گناه بزرگ پافشاری می کردند.

این گروه به محض ورود به عالم بعدی به اخلاق و صفات جهنمی خود که در آنها ملکه شده قیام می نمایند و چون قانونمندیهای آن عالم متفاوت است و اختیار از کف داده اند، در سیستم اجباری حرکت و سیر الله وارد می شوند و چون فرسنگها از مبدا حرکت به سوی خداوند که هدف و مقصد نهایی آنها بوده دور شده اند، اکنون باید